



## Analyzing strategies for teaching syntax to non-Arabic speakers

*<sup>1</sup>Jamal talebi gharegheshlaghi*

### Abstract

Arabic syntax or grammar is considered one of the most important subjects in the undergraduate course as well as in additional courses for non-Arabic speakers. The way of teaching this subject has always been mixed with many difficulties, and students and learners always point to the strictness and uniformity of the rules, dry and inactive teaching methods, and issues like this. In this essay, while emphasizing on separating the two categories of scientific syntax and educational syntax, traditional strategies have been mentioned and their merits and demerits have been considered. In addition to that, new strategies have been proposed for the use of professors, and their advantages and disadvantages have also been investigated. The result of this research is that we should pay more attention to its practical aspects while avoiding teaching unnecessary syntactical topics, and use new and collaborative strategies to improve the teaching-learning process.

Teaching Arabic language, syntax, teaching strategies, Non-Arabic speakers

---

<sup>1</sup> Associate professor, Department of Education Arabic language and literature, farhangian university, post box: 889 ۱۴۶۶۵ -, Tehran, iran  
j.talebi@cfu.ac.ir

## تحلیل استراتیجیات تدریس النحو للناطقین بغير العربية

جمال طالبی قراشلاقی<sup>۲</sup>

### ملخص

يعتبر النحو أو النحو العربي من أهم المواد الدراسية في المرحلة الجامعية وكذلك في الدورات الإضافية لغير الناطقين باللغة العربية. ولطالما اختلفت طريقة تدريس هذه المادة بالعديد من الصعوبات، ويشير الطلاب والمعلمون دائماً إلى القواعد الصارمة والموحدة، وطرق التدريس الجافة وغير النشطة، وقضايا مثل هذه. وفي هذا البحث، مع التأكيد على الفصل بين فئتي النحو العلمي والنحو التعليمي، فقد تم ذكر الاستراتيجيات التقليدية وتمت مناقشة مزاياها وعيوبها بالمنهج الوصفي التحليلي. بالإضافة إلى ذلك، تم اقتراح استراتيجيات جديدة لاستخدامها من قبل الأساتذة، كما تمت دراسة مزاياها وعيوبها. يعود سبب هذا البحث إلى أن تدريس قواعد اللغة العربية يعتمد على مصادر قديمة وغير عملية، وأن طرق تدريس هذه المادة لا تتوافق مع احتياجات الطلاب ومتعلمي اللغة. لذلك، مع تجنب تدريس موضوعات نحوية غير ضرورية، يجب أن نولي المزيد من الاهتمام لجوانبها العملية واستخدام استراتيجيات جديدة وتعاونية لتحسين عملية التدريس والتعلم.

**الكلمات المفتاحية:** تعليم اللغة العربية، النحو، استراتيجيات التدريس، الناطقين بغير العربية

<sup>۲</sup> أستاذ مشارك، قسم التربية اللغة العربية وآدابها، جامعة فرهنجان، صندوق البريد: ۱۴۶۶۵-۸۸۹، طهران، إيران  
j.talebi@cfu.ac.ir

## واکاوی راهبردهای آموزش نحو به غیر عرب‌زبانان

جمال طالبی قره‌قشلاقی<sup>۳</sup>

### چکیده

نحو یا دستور زبان عربی یکی از مواد درسی بسیار مهم در دوره کارشناسی و نیز در دوره‌های تکمیلی برای غیر عرب‌زبانان به شمار می‌رود. نحوه تدریس این ماده همواره آمیخته با دشواری‌های زیادی بوده است و دانشجویان و فراگیران، همواره بر سخت و یکنواخت بودن قواعد، روش‌های تدریس خشک و غیر فعال و مسائلی از این دست اشاره می‌کنند. در جستار حاضر، ضمن تأکید بر جدا نمودن دو مقوله نحو علمی و نحو آموزشی، راهبردهای سنتی مورد اشاره قرار گرفته و با رویکرد توصیفی و تحلیلی محاسن و معایب آن‌ها مورد مذاقه قرار گرفته است. علاوه بر آن راهبردهای جدیدی نیز جهت کاربرد اساتید پیشنهاد شده، و معایب و محاسن آن‌ها نیز مورد بررسی واقع شده است. ما حاصل جستار حاضر این است که تدریس نحو عربی گرفتار منابع قدیمی و غیر کاربردی شده است و روش‌های تدریس این ماده درسی نیز مطابق با نیازهای دانشجویان و زبان‌آموزان نیست. لذا باید ضمن پرهیز از تدریس مباحث نحوی غیر ضروری، بیشتر به جنبه‌های کاربردی آن توجه نمائیم و راهبردهای جدید و مشارکتی را جهت بهبود فرایند یاددهی - یادگیری به کار ببندیم.

**کلید واژه‌ها:** آموزش زبان عربی، نحو، راهبردهای تدریس، غیر عرب‌زبانان

<sup>۳</sup> دانشجویار گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی، فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹ - ۱۴۶۶۵، تهران، ایران j.talebi@cfu.ac.ir

## ۱ - مقدمه و بیان مسأله

قواعد نحو (دستور زبان عربی) یکی از مهم‌ترین شاخه‌های زبان عربی است که هدف از کاربست آن، اصلاح خطاهای زبانی، و جلوگیری از لحن، و نیز رشد توانایی‌هایی زبان‌آموزان این رشته در مهارت‌های چهارگانه زبانی است. بر این اساس، هدف از تدریس نحو شکل‌گیری یک ملکه زبانی صحیح در دانشجویان و فراگیران زبان عربی است، نه حفظ صرف قواعد. واقعیت این است که عالمان نحو عربی به تدریج از سبک‌های فلسفی و منطقی متأثر شدند، و گرفتار برخی تقدیر و تأویل‌های پیچیده‌ای گردیدند. کار این عالمان به قدری بغرنج شد که آیات قرآن را نیز - که بلیغ‌ترین متن عربی است - تابع قواعد نحوی نموده، و روی به تقدیرات و تأویلات آوردند تا این گونه نشان دهند که قرآن با قواعدی که ساخته و پرداخته خودشان بوده است همسویی دارد. عالمان نحو باید قواعد وضع شده خود را تابع زبان معیار قرآن در می‌آورند، نه بالعکس. و این گونه بود که قواعد دستور زبان عربی که باید در اصل بر اساس گفتار عرب وضع می‌شد، خود حجتی برای اعراب شد تا در گفتارشان آن قواعد را مراعات نمایند. به عنوان مثال، قاعده‌ای وجود دارد که کلمه (إِذَا) تنها بر سر فعل می‌آید، و و هیچگاه بر سر اسم وارد نمی‌شود. لذا در دو آیه (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ) کلمه (السَّمَاءُ) را تقدیراً فاعل برای فعل محذوفی در نظر می‌گیرند که فعل مذکور آن را تفسیر می‌کند. به تقدیر: (إِذَا انشَقَّتْ السَّمَاءُ انشَقَّتْ) و (إِذَا انْفَطَرَتْ السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ).

شیخ علی طنطاوی در توضیح این تقدیر و تأویل‌ها می‌گوید: این چه هذیانی است؟ آیا این‌ها را از عرب عاقلی شنیده‌اید؟ چرا به دانش‌آموزان یاد ندهیم که (السَّمَاءُ) در این دو آیه نیز مثل هر اسم مرفوعی در آغاز کلام، نقش مبتدا را دارد؟ (جاهمی، ۲۰۰۵: ص ۷).

مثال دیگر در ارتباط با تقدیر و تأویل‌های دشوار عالمان نحو، این قاعده است که حرف (إِنْ) فقط بر سر فعل می‌آید، و اگر بعد از آن اسم واقع شود، باید فعل مقدری برای آن لحاظ گردد. روزی طه حسین با یکی از عالمان نحو درباره اعراب آیه (وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ) بحث و جدل می‌کردند. عالم نحوی گفت: این حرف جازم برای فعل محذوف (استجارک) است و تقدیر کلام این گونه است: (وَإِنْ اسْتَجَارَكَ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ) است. طه حسین پاسخ دادند: مرد حسابی! تو می‌خواهی چیزی به کلام الهی اضافه کنی؟ (همان، ۷).

بر اساس آنچه گذشت، آموزش نحو به دانشجویان و زبان‌آموزان، از مشکلات حادّی است که اساتید این رشته را به خود مشغول کرده است. متأسفانه بسیاری از قواعد نحو که آموزش آن حتّی برای خود عرب‌زبانان نیز در دوره‌های مختلف آموزشی دشوار است، انتظار می‌رود به دانشجویان غیر عرب زبان یاد داده شود. دشواری نحو عربی علاوه بر پیچیدگی مربوط به تقدیر و تأویلاتی که بدان اشاره کردیم، در بسیاری از موارد به بی‌رغبتی دانشجویان و روش‌های تدریس آن نیز مربوط می‌شود. لذا از گذشته‌های دور و نیز در حال حاضر تلاش‌های فراوانی برای ساده‌سازی نحو صورت گرفته است. بررسی تاریخ کتب نحو نشان می‌دهد که برخی از بزرگان نحو همچون کسائی، زجاج، ابو حیان اندلسی و ابن مضاء قرطبی آثاری در تلخیص نحو به رشته تحریر در آورده‌اند (نک: مدکور، ۲۰۰۶: ۳۱۲). در دوره معاصر نیز تلاش‌هایی در مسیر ساده‌سازی نحو صورت گرفته است، و در راستای آن، کمیته‌هایی همچون کمیته ساده‌سازی قواعد زبان عربی دایر شده است. همایش‌ها و سمینارهای متعددی نیز در کشورهای جهان عرب و غیر عرب برگزار شده است. در سال ۲۰۰۲ اولین کنفرانس سالانه «ساده‌سازی آموزش نحو» از سوی فرهنگستان زبان عربی دمشق، کار خود را شروع کرد. همچنین در سال ۲۰۰۶ سمیناری با عنوان «بحران تدریس زبان عربی، علل و راهکارها» با حضور صاحب‌نظران نحو عربی در شهر ناصره فلسطین برگزار گردید. نکته حائز اهمیت این است که پیشگامان دعوت به ساده‌سازی دستور زبان عربی، تدریس قواعد نحو را انکار نکردند، بلکه بر ضرورت آسان‌سازی آن جهت

حفظ دانشجویان و دانش‌آموزان از خطاهای گفتاری و نوشتاری تأکید نمودند. لذا، مسأله اساسی این است که راهبردهای آموزش نحو به غیر عرب‌زبان چیست؟ و چه رویکردی در آموزش نحو به دانشجویان و فراگیران مد نظر قرار گیرد؟ جستار حاضر با رویکرد تحلیلی به دنبال پاسخ به سؤالات مطروحه بالاست.

## ۲ - پیشینه پژوهش

آموزش نحو برای عرب‌زبانان و غیر عرب‌زبانان، راهبردهای متعددی را تجربه کرده است که برخی از آن‌ها کارآمد بوده، و برخی نیز ناکارآمد. هر کدام از روش‌های آموزش نحو هم موضوع برخی مطالعات پژوهشگران این حوزه شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- نعمت‌اله به‌رقم (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های شیوه‌های آموزش نحو عربی در دانشگاه‌ها» به بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و نیز برخی روش‌های تدریس آن پرداخته است. پژوهش مذکور در سومین شماره نشریه پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب چاپ شده است. مهم‌ترین یافته پژوهش این بوده است که با اصلاح روش‌های تدریس زبان و برنامه‌ریزی دقیق بر اساس شیوه پله‌ای می‌توان سطح کیفی فرایند آموزش نحو را بالا برد.

- مریم پورجمشیدی و زهرا افضلی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نقش راهبردها و فنون آموزشی در تدریس صرف و نحو عربی» به بررسی مهم‌ترین راهبردهای حوزه آموزش دستور زبان عربی پرداخته‌اند. این پژوهش در شماره ۱۶ مجله انجمن ایرانی زبان عربی به چاپ رسیده است. نویسندگان در پایان به این نتیجه دست یافته‌اند که راهبردها و فنون عادی به منظور ارائه، تمرین و بازخورد و راهبردها و فنون رابطه‌ای و پربارسازی جهت تقویت و افزایش یادگیری به کار گرفته می‌شوند. آموزش هر نوع محتوایی بر اساس سه سطح مذکور (به خاطر سپاری، ادراک و به کارگیری) مستلزم بهره‌گیری از فنون خاص خود است، در غیر این صورت، نتیجه آموزش چندان مطلوب و مفید نخواهد بود. محتوی درس صرف و نحو عربی نیز با در نظر گرفتن سه سطح مذکور و با به کارگیری راهبردها و فنون آموزشی هر یک در جایگاه و موقعیت مناسب خود می‌تواند یاددهی و یادگیری این درس را بهبود بخشد.

## ۳ - اهمیت نحو در برنامه‌های آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبانان

نحو در برنامه‌های آموزشی زبان عربی برای عرب‌زبانان و غیر عرب‌زبانان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به این سبب که نحو پایه و اساس آموزش زبان عربی است، و زبان عربی بدون آن انبوهی از واژگان است که هیچ رابط و پیوندی بین آن‌ها وجود ندارد. ترکیب‌های نحوی به منزله ساختاری هستند که واژگان را در بافت‌های اساسی منظم و مرتب می‌کند و راه تعامل استاد و دانشجو با معانی مختلف زبانی را هموار می‌سازند. واژگان بدون روابط دستوری از انجام وظائف اساسی زبان عاجزند. از سوی دیگر، فهم قرآن و احادیث بر جای مانده از ائمه و معصومین (ع) به عنوان یکی از منابع مهم زبان عربی منوط به شناخت و درک قواعد نحو است. غیر عرب‌زبانان نیز بدون یادگیری دستور زبان عربی قادر به فراگیری آن نخواهند شد. عباس حسن در ارتباط با اهمیت نحو می‌گوید: «جایگاه نحو در علوم زبانی همچون جایگاه قانون اساسی نسبت به قوانین تازه وضع شده است. همچنانکه قانون اساسی ریشه و الهام‌بخش دیگر دیگر قوانین فرعی است، علم نحو نیز نسبت به علوم زبانی این حکم را دارد، و هیچ علمی مستقل و بی‌نیاز از آن نیست» (حسن، ۱۹۷۱م: ۶۶). خلاصه کلام اینکه، آموزش دستور زبان عربی مقدمه آموزش دیگر علوم زبانی است.

پژوهش حاضر به دنبال نقد و بررسی روش‌های آموزش نحو عربی به غیر عرب‌زبانان و تبیین نقاط ضعف و قوت آن است تا در نهایت بهترین روش را معرفی نماید. از آنجا که تدریس و آموزش درس نحو جزء دروس جنجال برانگیز بوده و روش‌های نادرست باعث دلزدگی دانشجویان شده است، لذا نتایج این پژوهش می‌تواند به ارائه رویکردی مناسب کمک نماید.

#### ۴ - دشواری‌های آموزش نحو عربی

علیرغم اینکه نحو در آموزش زبان عربی از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما دانشجویان و فراگیران زبان عربی چندان به این درس علاقه نشان نداده، و همواره صدای گلایه آنان از دشواری و پیچیدگی قواعد نحو بلند شده است. ضعف آنان در قواعد نحو آثار و تبعات منفی خود را در دیگر دروس از جمله قرائت و نوشتار نشان می‌دهد (نک: المرسی و عبدالوهاب، ۲۰۰۵م: ۲۴۲). دشواری آموزش دستور زبان عربی برای دانشجویان همواره متأثر از برخی عوامل بوده است، از جمله:

أ - کثرت قواعد دستور زبان عربی، و نیاز به تلاش بی‌وقفه برای حفظ و یادگیری آن، و عدم وجود یک منبع کاربردی مناسب؛ کتابی که امروز در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود غالباً یا مبادی العربیه است و یا شرح ابن عقیل. کتابهایی که غالباً از سطح مثالهای کلیشه‌ای (ضرب زید عمراً) و (عجبت من ضرب زیداً بکرّاً) و اختلافات زیاد نحوی فراتر نمی‌رود. استاد همه اهتمامش معطوف بر حفظ مجموعه‌ای از قواعد محض یا ترکیب‌های خارج از متن است، و دانشجو در بحبوحه این همه ماده مخلوط که ذهنش را خسته می‌کند، و سرش را به درد می‌آورد، مات و مبهوت می‌ماند. گویی علم نحو محفوظاتی است که دانشجو باید آن را حفظ کند تا واحد درسی را با موفقیت بگذراند.

ب - جداسازی آموزش نحو از دیگر دروس زبانی، و عدم پیوند آن با مهارت‌های گفتاری، نوشتاری، و خوانداری، و عدم تأکید بر تطبیق عملی آموخته‌های نحو در قالب متون ادبی.

ج - حفظ اسکلت‌بندی نحو عربی از زمان سیبویه تا به امروز، و عدم تغییر و تحول تربیتی و روان‌شناسانه در ارائه آن به دانشجویان و فراگیران. کتاب‌های درسی تألیف شده برای واحد نحو در اکثریت دانشگاه‌ها و محافل علمی بر اساس منطق نحو پیشینیان طرح‌ریزی شده، و حتی ترتیب قرار گرفتن موضوعات و مباحث نیز طبق سلیقه آنان می‌باشد.

د - جدال ذهنی درباره مسائل دستور زبان عربی، و تعدد مکاتب نحوی در توجیه شواهد نحوی؛ با مراجعه به کتاب (إنصاف) الأنباری می‌توان به جدل‌های نحوی و تعدد آراء پی برد. چیزی که در آن هیچ فائده‌ای برای حفظ زبان و تکلم بدان وجود ندارد.

ه - وضع برخی ابواب در نحو عربی همچون تنازع و اشتغال که هیچ جنبه آموزشی ندارند، و در کلام عرب نیز شواهدی برای برخی از وجوه آن یافت نمی‌شود.

و - عدم تمایز نحو علمی و نحو آموزشی از همدیگر. اساتیدی که مشغول تدریس واحد نحو هستند، تا حدودی اتفاق نظر دارند در اینکه دستور زبان عربی خشک و سخت بوده، و کار آموزش آن را دشوار می‌سازد. یکی از عوامل بسیار مهمی که در این دشواری دخیل است، تفاوت قائل نشدن بین نحو علمی و نحو آموزشی است. نحو علمی همچون دیگر علوم زبانی و غیر زبانی دارای تحلیل‌های عمیقی است که فهم آن تنها برای متخصصین آن حوزه قابل فهم می‌باشد. اما در نحو آموزشی، سطح علمی دانشجویان و فراگیران مدّ نظر قرار می‌گیرد، و ماده علمی با سبکی زیبا و مناسب با سطح علمی آنان ارائه می‌گردد. در جدول زیر به برخی از تفاوت‌های نحو علمی و آموزشی اشاره می‌شود:

نحو علمی	نحو آموزشی
نحو علمی جنبه نظری دارد	نحو آموزشی جنبه تطبیقی و تمرینی دارد

نحو علمی تطبیق همه قواعد است	نحو آموزشی تطبیق برخی قواعد است
نحو علمی مختصّ خواص است	نحو علمی مختصّ عامّه است
هدف از نحو علمی کسب تخصص است	هدف از نحو آموزشی کسب ملکه زبانی است
کتاب نحو علمی، مطوّل و مرجع است	کتاب نحو آموزشی مختصر است
نحو علمی ساده نیست	نحو آموزشی بر اساس مراحل آموزشی پیش می‌رود.
نحو علمی جنبه تاریخی دارد	نحو آموزشی به روز است.

واقعیت این است که این مقوله چندان در اندیشه عالمان پیشین نحو جا نیفتاده، و این دو مسأله از هم مجزاً نشده بودند. لذا لازم است آموزش دستور زبان عربی نیز مانند علوم دیگر همچون ریاضیات و فیزیک و... متکی بر مبانی تربیتی باشد تا ضمن انتخاب محتوای مناسب و جذاب، از روش‌های تدریس تربیتی جدید نیز بهره‌مند گردد.

#### ۵- راهبردهای سنتی آموزش نحو عربی

در گذشته آموزش نحو عربی با راهبردهای سنتی اتفاق می‌افتاده است. این روش‌های قاعده محور چندان مورد توجه فراگیران زبان عربی قرار نمی‌گرفت؛ به دین علت که همه اندوخته‌های دانش عربی به حفظ آیات قرآن، ذکر ادعیه و احوال‌پرسی‌ها محدود شده است (نک: به رقم، ۱۴۰۰: ۲۴۸). مهم‌ترین راهبردهای سنتی عبارتند از:

##### ۵-۱. راهبرد دستور و ترجمه

این راهبرد از قدیمی‌ترین روش‌های تدریس نحو عربی است. بدین صورت که ابتدا «قاعده مورد نظر معرفی می‌شود، و سپس با ذکر چند مثال توسط استاد و معلّم توضیح داده می‌شود، و در پایان تمریناتی جهت تثبیت قواعد در ذهن دانشجویان و فراگیران حلّ می‌گردد» (الحلاق، ۲۰۱۰م: ۳۰۸). این روش در کلاس‌هایی که تعداد دانشجویان بسیار زیاد است، از کارایی خوبی برخوردار است (نک: نسیمه، ۲۰۱۱م: ۱۲۳). عدم امکان مباحثه و گفتگو، تقلید کورکورانه دانشجو، و ضعف قدرت ابتکار از معایب و اشکالات این روش است.

##### ۵-۲. راهبرد استقرائی (استنباطی)

روش استقرائی مبتنی بر ذکر مثال‌هایی است که استاد و یا معلم آن را شرح و توضیح می‌دهد، و سپس قاعده دستوری را از آن استنباط می‌کند. و این یعنی رسیدن از جزء به کلّ. روش استقرائی دانشجو و فراگیر را به تفکر وادار می‌کند تا با بررسی مثال‌ها به قاعده کلی دست یابد (نک: الساموک، ۲۰۰۵م: ۲۸۸). مشارکت دانشجویان و فراگیران در استخراج قاعده کلی از عمده محاسن این راهبرد بوده، و غفلت از دیگر مهارت‌های زبانی نیز از اشکالات اساسی آن به شمار می‌آید.

##### ۵-۳. راهبرد تعدیل شده

این راهبرد از نظر تاریخی تا حدودی مدرن به نظر می‌رسد، و تعدیل شده راهبردهای قبلی است، و بر این اساس، راهبرد تعدیل یافته نامگذاری شده است. (الدلیمی، ۲۰۰۴م: ۷۳). در این راهبرد، قواعد نحو در قالب چند راهکار به هم پیوسته تدریس می‌شود. بدین شکل که متنی در یک موضوع به دانشجویان و فراگیران ارائه می‌شود، و آنان ابتدا به قرائت آن می‌پردازند، و سپس مفهوم آن را بررسی می‌کنند، و در گام بعدی به جملات و ویژگی‌های آن اشاره می‌شود، و سپس قاعده نحوی از آن استنباط شده، و نهایتاً نوبت به مرحله تمرین می‌رسد.

**الف - تحلیل متن:** استاد و معلم به توضیح مفاهیم موجود در متن می‌پردازد و از خلال آن به قاعده نحوی می‌رسد.  
**ب - قاعده نحوی:** استاد و معلم قاعده دستوری را با خطّ خوش و با ماژیک رنگی در جای مناسبی از وایت‌بورده می‌نویسد.

**ج - تمرین:** دانشجویان و دانش‌آموزان مثال‌های بیشتری را در ارتباط با قاعده تمرین می‌کنند، و استاد و معلم از آنان می‌خواهند جملاتی را درباره قاعده با قلم خودشان بنویسند (نفس المصدر، ۲۰۰۴م: ۷۸). به نظر می‌رسد مشارکت دانشجویان و فراگیران، و تقویت دیگر مهارت‌های زبانی از جمله قرائت و کتابت از مهم‌ترین محاسن این راهبرد باشد. و یافتن متنی که مشتمل بر قواعد نحوی مدّ نظر استاد یا معلم باشد تا حدودی دشوار به نظر می‌رسد، و ممکن است پرداختن به تحلیل متن، کلاس درس را به حاشیه ببرد.

### ۶ - راهبردهای جدید آموزش نحو عربی

روش‌های تدریس نیز مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های زندگی در معرض تغییر و تحوّل قرار دارد. به ویژه اینکه مقوله تدریس تحت تأثیر پیشرفت‌های علوم دیگر از جمله علوم تربیتی قرار گرفته، و جهت سهولت ارتباط بین استاد و دانشجو و معلم و دانش‌آموز، راهبردهای جدیدی ارائه شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۶-۱. راهبرد حلّ مشکل

این راهبرد بر پایه مهارت‌های زبانی همچون نوشتار و خواندن، و نیز متون استوار است. استاد و معلم متون و موضوعات مذکور را به عنوان نقطه آغازی برای طرح مشکل درباره قاعده یا پدیده زبانی در نظر می‌گیرد. سپس نظر دانشجویان و فراگیران را معطوف می‌کند به اینکه این پدیده زبانی موضوع درس نحو خواهد بود. سپس دانشجویان و فراگیران به جمع‌آوری مثال‌هایی پیرامون مشکل مطرح شده مکلف می‌شوند تا پس از نقد و بررسی مثال‌ها، قاعده نحوی استنباط گردد (نک: الساموک، ص ۲۲۹). این راهبرد باعث فعالیت و درگیر شدن دانشجو و فراگیر در موضوع درس می‌شود. تجربه‌ای که از رهگذر این راهبرد حاصل می‌شود از ماندگاری بیشتری برخوردار است؛ زیرا آنچه با تلاش و زحمت بدست آید به آسانی از حافظه دانشجو و فراگیر پاک نخواهد شد.

#### ۶-۲. راهبرد تکاملی

رویکرد راهبردهای موروثی و سنتی در تدریس نحو، مجزّا کردن دستور زبان از دیگر شاخه‌ها و فروع زبان، و تدریس نحو به صورت مستقل بوده است، و این یکی از مشکلات اساسی آموزش دستور زبان عربی بوده است. لذا بر اساس راهبرد تکاملی، باید این نقیصه جبران گردد و نحو با فروع دیگر زبان در آمیخته شود؛ زیرا تدریس صرف قواعد هیچ فائده‌ای نخواهد داشت، و توسعه ملکه زبانی دانشجویان با تقلید اتفاق خواهد افتاد نه با قواعد محض. بدین علت که زبان قبل از نحو به وجود آمده است، و اعراب بدون خواندن قواعد و تمرین آن به مرتبه فصاحت و بلاغت دست یافته بودند، و بر اساس سلاقت زبانی سخن می‌گفتند.

راهبرد تکاملی مزایای متعددی دارد. مهم‌تر از همه اینکه قواعد از میان متون زبانی آموزش داده می‌شود، و متن نیز از زوایای آوایی، ساختاری، معنوی، بلاغی، و معناشناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این راهبرد مبتنی بر دو اصل زبانی و تربیتی است. چون زبان یک پدیده کلی است که قابل تجزیه نیست، و بهترین روش آموزشی بر اساس یافته‌های تربیتی نیز روشی است که دانشجو و فراگیر برای کسب دانش و مهارت کنش و مشارکت لازم را داشته باشد (نک: الدلیمی و الوائلی، ۲۲۳). شاید این اشکال بر راهبرد تکاملی وارد باشد که یافتن متنی که مشتمل بر همه قواعد دستور زبان باشد دشوار است. اما می‌توان با



مراجعه با آهت کتب که مشتمل بر متون مختلف است، این نقیصه را بر طرف کرد. بنابراین، به اعتقاد نویسنده جستار حاضر، بهترین روش آموزش نحو عربی کاربست راهبرد تکاملی است که بر ویژگی‌های روانشناختی فرایند یادگیری و نیز خود فراگیر مبتنی است، و از گام اول، اجرای این راهبرد به عنوان یک منظومه متکامل در نظر گرفته می‌شود.

### ۶ - ۳. راهبرد تدریس فعال (بحث و گفتگو) در نحو کاربردی

نتایج مطالعات صورت گرفته بر لزوم توجه به چارچوب‌های روش تدریس فعال و بهبود گسترش آن به عنوان مهم‌ترین پایه‌های سیاست آموزشی تأکید بسیار دارد (نک: ذوالفقاریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۵). پیاژه پیشگام در دعوت به روش تدریس فعال بوده است و آن را بهترین روش برای شکوفایی شخصیت فراگیران می‌داند. در این روش تدریس، مسؤولیت نهائی یادگیری به خود دانشجویان و فراگیران برمی‌گردد. این روش، فراگیران را در انجام چیزها و فکر کردن درباره چیزی که انجام می‌دهند درگیر می‌کند. و مستلزم این است که فراگیران مسؤول یادگیری خودشان باشند نه اینکه استاد و معلم عهده‌دار این امر باشند. این روش در بهبود عملکرد دانشجویان زبان عربی در آموزش نحو می‌تواند از کارآیی خوبی برخوردار باشد، بدین شکل که مشارکت فعال آن در یافتن قواعد دستوری با همراهی استاد می‌تواند باعث تثبیت قواعد در حافظه آنان گردد.

نمونه‌ای از تدریس فعال با شیوه بحث و گفتگو را جهت ارائه طریق اجرا می‌کنیم. به عنوان مثال، مبحث انواع خبر یکی از مباحث نحوی است که از تدریس آن سه هدف زیر مد نظر است:

- أ - هدف شناختی: دانشجو بداند که خبر سه نوع است: مفرد، جمله، و شبه جمله.
  - ب - هدف عاطفی: دانشجو معنی، اهمیت، و فضیلت امانت را یاد بگیرد.
  - ج - هدف رفتاری: دانشجو بتواند انواع خبر را در متن مشخص کند، اعراب واژگان را تشخیص دهد، و آن‌ها را به درستی تلفظ نماید، برای انواع خبر نمونه‌های دیگری را بیان کند.
- ابزار: یک تابلوی کاغذی که روی آن انواع خبر نوشته شده است.  
مقدمه: اسلام دین فطرت است - اسلام امانت است.

### الأمانة

الأمانة أخلاق وسلوك حضاري، تنبع من فيض العقيدة. والأمانة متنوعة: فهناك أمانة التكليف، حينما يشعر الإنسان أنه خليفة عن الله في أرضه، يلتزم بشرعه ويدعو إلى منهجه، ويتخلق بأخلاق دينه.

الأمانة تعنى المسؤولية، والأمانة قوامها الأخلاق، فالإيمان أمانة، العبادات أمانة، فالعمل أمانة، ولذلك يقول رسولنا (ص): لا إيمان لمن لا أمانة له. إذن الأمانة أعباؤها عظيمة، والأمانة تدعو إلى حفظ الحقوق والعهود والأسرار، واحترام الآخرين، لذلك فالأمانة قوامه المبادئ، والأمانة تعالى شأن الأمم والأفراد، وترفع رايتهم، وتنشر فكرتهم، ومن أنواعها: الأمانة في العبادات، الأمانة في المعاملات، الأمانة في كل شيء، وإذا ضاعت الأمانة فانتظر الساعة.

أ) اقراء القطعة السابقة قراءة صامتة ثم أجب عن الأسئلة الآتية:

- ۱ - ما معنى الأمانة؟
  - ۲ - ما انواع الأمانات؟
  - ۳ - ما قيمة الأمانة في حياة الفرد والمجتمع؟
  - ۴ - أعرب ما تحته خط في القطعة السابقة.
- ب) استخراج من القطعة السابقة ما يأتي:
- ۱ - خبر جملة فعلية، وحدد الفعل والفاعل فيها.

۲ - خبر مفرد

۳ - خبر جمله اسمیه

۴ - خبر شبه جمله (جار و مجرور)

ت (العبادات أمانة)

ما نوع الخبر في الجملة السابقة؟ اجعل الخبر فيها جملة اسمية مرة وأخرى فعلية.

قاعده را از ذهن دانشجویان استخراج می‌کنیم و آن را روی وایت‌برد می‌نویسیم:

الخبر هو الجزء المتمم للفائدة في الجملة مع المبتدأ

أنواع الخبر:

- خبر مفرد: وهو ما ليس جمه ولا شبه جملة

- خبر جملة، وينقسم إلى نوعين:

- جملة اسمية: وتتكون من المبتدأ والخبر، ولا بد أن يشتمل المبتدأ الثاني على رابط يعود على المبتدأ الأول.

- جملة فعلية: ولا بد أن يشتمل على رابط أو ضمير يعود على المبتدأ.

- خبر شبه جملة: وهو الظرف والجار والمجرور.

لذا می‌توان بسیاری از مباحث نحوی را به مانند روش مورد اشاره تدریس نمود، و در این بین مشارکت فراگیران کاملاً

مشهود است.

#### ۶ - ۴. استراتژی کلاس وارونه (معکوس)

عصاره این راهبرد آموزشی این است که دانشجویان و فراگیران قبل از حضور در کلاس درس، با استفاده از ابزارهای صوتی و تصویری، سخنرانی‌های ویدئویی مربوط به موضوع درس را مشاهده می‌کنند، و سپس با حضور در کلاس درس، به پرسش‌های استاد و معلم پاسخ می‌دهند (Jeremy, 2007: 1). شاید مهم‌ترین ویژگی این راهبرد این باشد که دانشجویان و فراگیران مسؤولیت بیشتری را در آموزش برعهده می‌گیرند. راهبرد آموزشی وارونه به طور وسیعی در سایر رشته‌های دانشگاهی به کار گرفته شده، و نتایج قابل توجهی در ارتقای عملکرد آکادمیک دانشجویان داشته است. در این راهبرد، نقش استاد نیز تغییر می‌یابد، و استاد به جای اینکه منحصراً نقشی فعال در فرایند یاددهی - یادگیری داشته و انتقال دهنده‌ی دانش باشد، نقشی تعاملی دارد. در واقع استاد به عنوان تسهیل‌گر و راهنما به صورت انفرادی به فراگیران بازخورد داده و فرایند آموزش را مشارکتی و همکارانه پیش می‌برد (Mikkelsen, 2015: 28-35). به نظر می‌رسد اگر مقدمات و ملزومات این راهبرد برای اساتید درس نحو فراهم گردد، می‌تواند برای آموزش مباحث نحو عربی مفید باشد. به جهت اینکه همان کاری که قبلاً استاد در روش مستقیم انجام می‌دهد، قبلاً در اختیار دانشجو گذاشته می‌شود، و فضای رسمی کلاسی به مجال بهتری برای تکرار و نیز پرسش و پاسخ و مناقشه تبدیل می‌شود.

پس از نگاه اجمالی به راهبردهای سنتی و جدید تدریس نحو، می‌توان گفت که هر راهبرد محاسن و معایب خاص خود را دارد، و شاید بتوان گفت که هیچ روش کامل صد در صدی برای آموزش دستور زبان عربی ه غیر عرب‌زبانان وجود ندارد. آنچه مهم است توانایی استاد این ماده در تلفیق راهبردهای مختلف و کاربست روش مؤثر و کارآمد است.

### نتایج

آموزش نحو عربی برای غیر عرب‌زبانان همواره با دشواری‌های زیادی از سوی اساتید و دانشجویان روبرو بوده است، و این امر نتایج منفی بر فرایند یاددهی - یادگیری گذاشته است. واقعیت این است که بخشی از نارسایی معطوف به خود درس نحو بوده، و بخش دیگر نیز به روش‌های تدریس ناکارآمد مربوط می‌شود. در جستار حاضر پس از بررسی روش‌های سنتی تدریس نحو عربی، چندین روش جدید نیز مورد شرح و بسط قرار گرفت، که مهم‌ترین آن‌ها راهبردهای حل مشکل، راهبرد تکاملی، راهبرد تدریس مشارکتی در قالب پرسس و پاسخ، و راهبرد کلاس وارونه می‌باشد. هر کدام از راهبردهای مذکور محاسن و معایبی داشته است، لکن نویسندگان جستار حاضر در پایان بر این امر تأکید نمودند که کاربست یک راهبرد خاص برای آموزش نحو نمی‌تواند مؤثر باشد، و استاد توانمند باید تلفیقی از راهبردهای مختلف را جهت توفیق در آموزش باید استفاده نماید.

### منابع

#### عربی

- مدکور، علی أحمد (۲۰۰۶) **تدریس فنون اللغة العربية**، القاهرة: دار الفكر العربي للطبع والنشر.  
- جاهمی، محمد (۲۰۰۵) واقع تعلیم النحو العربی فی المرحلة الثانویة، «مجلة العلوم الإنسانية»، جامعة محمد خيضر، العدد السابع، صص ۱-۱۲.

- حسن، عباس حسن (۱۹۷۱) **اللغة والنحو بين القديم والحديث**، ط ۲، القاهرة: دار المعارف.  
- الحلاق، علی سامی (۲۰۱۰) **المرجع فی تدریس مهارات اللغة العربية**، ط ۲، طرابلس: المؤسسة الحديثة للكتاب.  
- الدليمی، کامل محمود نجم (۲۰۰۴) **أسالیب تدریس قواعد اللغة العربية**، ط ۱، عمان: دار المناهج للنشر و التوزیع.  
- الدليمی، طه علی حسن؛ سعاد عبد الکریم (لا تا) **اتجاهات حديثة فی تدریس اللغة العربية**، ط ۱، الأردن: عالم الكتب الحديثة.  
- الساموک، سعدون محمد (۲۰۰۵) **مناهج اللغة العربية**، ط ۱، عمان، دار وائل للنشر و التوزیع.  
- المرسی، محمد حسن (۲۰۰۵) **فاعلية التعلم الإقناني فی علاج الأخطاء اللغوية المصاحبة لتعليم القراءة و الكتابة للمبتدئين**، «مجلة دراسات فی المناهج و طرائق التدریس»، القاهرة.

نیسمه، حمّار (۲۰۱۱) **إشکالية تعلیم مادة النحو العربی فی الجامعة (جامعة بجایة نموذجاً) رسالة الماجيستر**، جامعة تیزی وزر، الجزائر.

#### فارسی

- به رقم، نعمت‌اله (۱۴۰۰) چالش‌های آموزش نحو عربی در دانشگاه‌ها، «مجله پژوهشنامه آموزش زبان و ادبیات عرب»، دانشگاه فرهنگیان، پیاپی ۳، صص ۲۴۳-۲۵۷.  
- ذوالفقاریان، مهسا؛ علی اکبر امین بیدختی؛ سکینه جعفری (۱۳۹۷) رابطه ساختاری تعامل استاد و دانشجو و روش تدریس فعال اساتید با توسعه شایستگی‌های دانشجویان با میانجی‌گری کسب دانش، **فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی**، شماره ۴۰، صص ۱۸۱-۲۰۴.

#### لاتین

Jeremy F. (2007). The Effects of the Classroom Flip on the Learning Environment: A Comparison of Learning Activity in A Traditional Classroom and A Flip Classroom that Used an Intelligent Tutoring System. PhD research at the School of The Ohio State University.p1.

Mikkelsen TR. Nursing students' experiences, perceptions and behavior in a flipped-classroom anatomy and physiology course. J Nurs Educ Pract. 2015; 5(10):28-35.